



حقوق ۵۴ تومان و در آنجا تیم خورشید را به دارایی تغییر نام دادم. هدفمان جمع بودن رفقا بود، یکی بودن شان و ویر کردن ایام فراغت بچه‌ها.» دارایی تا ۱۳۲۶ در بیشتر مواقع قهرمان تهران می‌شد. آن روزها تیم دارایی، حریف تبریزی شاه جوان هم بود؛ «بله، ما چهارشنبه‌های هر هفته می‌رفتیم دانشکده افسری و شاه، فوتبال‌بست و سنتر فورواردر تیم سرباز بود. دارایی چهارشنبه‌ها با سرباز در کالج دانشکده افسری بازی دوستانه می‌کرد. یک سنترهافبک درشتی داشتیم که خیلی خشن بود. با خشنود رفت و روی پای شاه. اوایل پاییز بود. بارانکی هم آمده بود. رفت روی پای شاه و شاه ولو شد. شلوار سفیدش هم خراب شد. (قهرمان میرزا) که داور بود دوید بازیکن ما را بیرون کرد.»

بودجه هشتصد تومانی:

در سال ۲۶ معج پای آقامحب خراب شد و دیگر فقط رفت سراغ مدیریت تیم. می نشست در دفتر باشگاه دارایی که پشت مسجد سپهسالار بود. بودجه یکساله باشگاه دارایی ۸۰۰ تومان بود که آن را هم اداره تربیت بدنی تقبل می کرد. دارایی ۲۸ سال در صف اول فوتبال مملکت درخشید و در سال ۱۳۴۶ تعطیل شد. آقامحب می گفت «اختلاف ما و باشگاه تاج بر سر بودجه بود چون این بودجه کفاف باشگاه دارایی را نمی داد و بیش از این هم مقدور نبود که برای باشگاه خرج کنم، تعطیلش کردم. خسروانی رئیس باشگاه تاج ریاست کل ورزش کشور را به عهده گرفته بود و در مقابل ۸۰۰ تومان بودجه برای دارایی، میلیون ها تومان بودجه برای تاج در نظر می گرفت. من هم دیدم در این شرایط نمی توانیم رقابت عادلانه بکنیم از ناراحتی اعلامیه دادم و دارایی را منحل کردم. همان دارایی ای که نه تنها در فوتبال بلکه در شکتی و بسکتبال و والیبال و دوچرخه سواری هم از قطب های ورزش کشور بود. نامه مفصلی به مسئولان وقت نوشتم و به تبعیضی که باشگاه هایی مثل دارایی را در بر می گرفت معترض شدم. من نمی توانستم با این پول، بچه های مرا حفظ کنم.» پرسیدم اگر همین حالا، خسروانی از خانه تان بیاید تو او را می بخشیدی؟ برقی در چشم های درخشید و اعتراف کرد که «الان هم گاهی با هم تلفنی صحبت می کنیم. ما دشمن هم نبودیم. هر چیزی حدی دارد. من آن زمان زن و بچه نداشتم. همه حقوقم را هم که خرج باشگاه می کردم نمی شد با تاج رقابت کرد. عیب خسروانی این بود که وقتی رئیس تربیت بدنی کشور شد روی عشق و علاقه ای که به تاج داشت فکر نمی کرد که تاج جزو سازمان تربیت بدنی است بلکه گمان می کرد که سازمان تربیت بدنی جزو باشگاه تاج است!!»

آن روز اسامی ستاره های دارایی را برای آقامحب مرور کردم. مردانی چون عزیز صلی، حاج نصرالله، غلامحسین نوربان، جلال طالبی، محراب شاهرخ، اکبر افتخاری. پرسیدم هیچ وقت به خاطر فوتبال به بچه ها پول هم می دادیدی؟ گفت «محرمانه گاهی می دادیم. آن موقع

برای خودشان مردی شده بودند. بچه‌های نیم خورشید اما غالباً ۱۳، ۱۴ ساله بودند. آن موقع زمین فوتبالی در مملکت ما نبود. یک زمین بود مقابل کالج که مال انگلیسی‌ها بود و بایکسانی مثل پُل و امثال او در آنجا بازی می‌کردند. چهار زمین خاکی هم مال کالج آمریکایی‌ها بود. ۳ تا داشتند و یک تکه هم اضافه کردند شد ۴ تا. یکی از زمین‌های مجاور خیابان پهلوی سابق (ولیعصر فعلی) بود که اینطرحش یک استخر بود و خدایمیز بهارمست یک روز با اسب آمد که فوتبال تماشا کند و افتاد توی آن! بهترین زمین فوتبال همان بود که در آن مسابقات کشتی برگزار می‌شد. زمینی هم در قسمت شرق کالج بود که خانه جردن در آنجا بود و بچه هم نداشت. دکتر جردن رئیس کالج بود که بعدها اسمش شد مدرسه البرز. یک زمین خصوصی بود. یک زمین سنگلاخ هم بود که توپش تمرین می‌کردند. آن اواخر یکی هم درست کردند که شد ۴ تا زمین. آنجا آن زمان‌ها کالج آمریکایی‌ها تیم فوتبال خوبی هم داشت که وارنر مربی‌شان بود. سالی یک بار با کالج اصفهان بازی می‌کردند که به صورت رفت و برگشت بود. البته مسابقه والبال و بسکتبال و فوتبال و طناب‌کشی هم داشتند.

از آقا محب درباره گری خان سردار پرسیدم گفت «بله، دروازه‌بانی اش را دیده بودم. در زمین کالج. یادم می‌آید خلعتبری معروف هم داور بود.» پرسیدم جواز باشگاه دارایی را از ابوالفضل خان صدی گرفتید؟ گفت بله. ابوالفضل خان رئیس تربیت بدنی شده بود و جواز دارایی را سال ۱۳۱۸ از تشکیلات صدی گرفتم. بچه‌های دارایی که حداکثر شان سن ۱۷، ۱۸ سال بود در سال ۱۳۲۰ در مسابقات تهران شرکت کردند. آن سال دارایی و طوفان فینال آمدند و ۲- صفر برنده شدیم و به قهرمانی رسیدیم. من هم مدیر تیم بودم و هم گوش چپ تیم. آقای رحیمیان هم کاپیتان تیم ما بود.» آن موقع تیم ملی هنوز وجود نداشت: «یک بار تیم آموزشگاه‌های عراق را دعوت کرده بودند ایران، فروغی رئیس‌الوزرا بود. بازی در زمین دولت بود. یک زمین خاکی که دورش دیوار بود و در شمال آن یک رختکن ۵ متری هم ساخته بودند. تیم قهرمان آموزشگاه‌های عراق آمده بود ایران تا با قهرمان آموزشگاه‌های کشور مسابقه بدهد. من ۱۵ سالم بود و کلاس هشتم بودم. آنجا کلی زدم و بازی که تمام شد فروغی ۱۵ دقیقه با من حرف زد. راجع به فوتبالم می‌پرسید از بازی‌ام خوش آمده بود.»

از اولین توپ‌های فوتبال چرمی در ایران از آقامحبس پرسیدم، گفت: «اولین توپ‌های چرمی بعد از قمشه، مد شد. آقای قمشه از اصفهان آمد و در چهارراه حسن آباد -مغازای باز کرده، هم توپ می‌دوخت و هم کفش فوتبال. بعد از آمدن او بود که به کفش به‌لایی فوتبال دوخت قمشه عادت کردیم. کفش فوتبال ما در آن زمان استوک نداشت. کفش را شش ریال می‌گرفتم که شبرو بود. توپ هم ۷ ریال بود.» پیرانه خورشید ابتدا آبی بود، دارایی می‌شد آبی آسمانی و سپس قرمز و در روزگاری سفید شد و بعدها در دهه پنجاه پیروزه‌اش شد. «سال ۱۳۱۸ وقتی فارغ التحصیل شدم رفته وزارت دارایی استخدام شدم با

آن روز وقتی از شکل و شمایل اولین توپ‌های مملکت، اولین بازی‌های فوتبال در تهران پرسیدم مرا به حوالی سال ۱۳۱۰ برد که با بچه‌های کوچه‌شان به دنبال توپ می‌دویدند. توپ واقعی که نه، بلکه میوه کاج و توپ‌های پنبه‌ای که خودشان درست می‌کردند. خود خودشان. در خیابون فرهنگ، امین‌الملک، طرف‌های شاپور و چهارراه حسن‌آباد. از همبازی‌ها و بچه‌محل‌هایش ابراهیم رحیمیان یادش بود. همان «ابرام چپ‌پال» معروف که بعدها کاپیتان تیم ملی شد و من در دهه شصت بارها و بارها در مهمانی سه‌شنبه‌های ناصر عظیمی در کارگاه زیرزمین سه‌راه طالقانی می‌دیدم. اولین سیم‌خاردار خط دفاعی تیم ملی. آقامحب سپس از یوسف ارمنی گفت، از آقاداتانیان، آرتوش، گنج‌بخش و حسین مبشر که ستاره‌های درازی اولیه بودند و گوش چپ تیم هم که خودش بود. مردی که از همان نوجوانی ژن مدیریت داشت و بنیانگذار و سرپرست تیم خورشید هم بود. خورشیدی که با الگوبرداری از تیم تدین ساخته بود. تیمی مرکب از حسن گوشه، دکتر گنج‌بخش، کاشانی، بلورفرشان، تدین،

در سال ۲۶مچ پای آقامحب خراب شد و دیگر فقط رفت سراغ مدیریت تیم. می نشست در دفتر باشگاه دارایی که پشت مسجد سپهسالار بود. بوده یکساله باشگاه دارایی ۸۰۰ تومان بود که آن را هم اداره تربیت بدنی تقبل می کرد. دارایی ۲۸ سال در صف اول فوتبال مملکت درخشد و در سال ۱۳۴۶ تعطیل شد. آقامحب می گفت «اختلاف ما و باشگاه تاج بر سر بوده بود چون این بوده کفاف باشگاه دارایی را نمی داد و بیش از این هم مقدور نبود که برای باشگاه خرج کنم، تعطیلش کردم.»

دکتر مجذوب، تیمی پر از آدم‌های تحصیلکرده، تیمی که
برای ایش جنبه تعلیم و تربیت فوتبال از هر چیزی مهم‌تر
بود. می‌گفت «تدین تیم اول بود. ما در خورشید خودمان را
ووصل کرده بودیم به تیم تدین.» تدینی‌ها بچه‌های خیابان
شاپور بودند و جناب تدین رئیس مجلس وقت هم از آنها
حمایت می‌کرد. محل تمرین خورشیدی‌ها رسماً زمین
شماره ۳ باغشاه بود قبل از آن هم در زمین سلطانی در
آق‌قوار خندق تهران مشغول «تپ‌بازی» می‌شدند. وقتی از
آقامحب‌خواستم از خاطراتش با عبدالله شوتی و عباس
اسیاه و احمد خطیبی اعجوبه‌های نسل اول بگویند فقط
ایین یادش بود که من با آنها بازی کرده بودم. عبدالله که
آلمان برگشت، بعد مریض شد و دو سه بار هم به عیادتش
رفتم. عباس هم فوق‌العاده بود. احمد هم که هم‌اینها
مال قسمت شرقی شهر بودند. مال تیم کوهستانی بودند.
سن ما زیاد با آنها تطبیق نمی‌کرد. ما ۱۴ ساله بودیم و آنها

چک‌های صادره و رسیدهای موجود.

- در عوض، اختصاص دادن مبلغ بیست و هفت میلیون و چهارصد و چهل هزار ریال در متن بودجه مملکتی به عنوان سهمیه یکساله باشگاه تاج که معادل ۸ برابر سهمیه کلیه باشگاه‌ها می‌باشد. در صورتی که برای باشگاه دارایی ماهیانه فقط ۸۰۰ تومان منظور شده است.

- سعی و اهتمام برای اعلامیه ساختگی علیه اینجانب به وسیله ابادی شناخته شده خود.

- اجرای نظرات و اغراض شخصی به جای قوانین.
- ارسال نامه موهن و تهدید آمیز شماره ۱/۲۶ مورخه ۴۷/۱/۱۲.

- ارسال نامه شماره ۱۰۶ مورخه ۴۷/۱/۱۰ فدراسیون فوتبال درباره اعزام آقای جلال طالبی فوتبالیست مشهور و ارزنده تیم ملی ایران برای مسابقات آسیایی و تحمیل هزینه مسافرت و پول جیبی ایشان تعمداً به باشگاه دارایی که به هیچ وجه ارتباطی با باشگاه دارایی ندارد.

- پیرونده سازی و متهم کردن رؤسای باشگاهی که با شما رقابت داشته‌اند.

- متهم نمودن قاطبه خدمتگزاران و خادمین ورزش و قلمداد نمودن باشگاه‌ها به لانه فساد و تشبیه نمودن سازمان تربیت بدنی به مردار و معرفی نمودن لاشخور تیزچنگال را به ملت ایران.

- مهم‌ترین نکته‌ای که در ورزش مملکت مؤثر است و آن ریاست نه تنها به آن توجهی نکرده‌اند بلکه درست بالعکس آن رفتار شده است از بین بردن رقابت‌های ورزشی می‌باشد و این عمل با پیاده کردن کادر سازمان ورزشی تاج در کادر سازمان تربیت‌بدنی انجام پذیرفته است و همگان نیر بدان معترفند.

تکل زدن به پای شاه:

۷ آقامحب متولد عصر قاجار در تهران پر از خندق (۱۲۹۲) در ۱۰۱ سالگی فوت کرد اما من سال در ۸۴ در ۹۳ سالگی اش در مصاحبه‌ای مفصل به خدمتش رسیدم. حالا در کهنسالی آنقدر وارسته شده بود که حاضر نمی‌شد از کینه‌های قدیمی دارایی‌چی‌ها نسبت به شاهین و تاج صحبت کند. نه از خسروانی کینه به دل داشت که از قضا همدیگر را بخشیده بودند و سالی یکی دو بار باهم چک و چانه می‌زدند و نه از اکرامی که حالا زیر خروارها خاک نهفته بود. انگار فصول جنگالی تاریخ شفاهی فوتبال ایران به ویژه آن سه دهه‌ای که در شعله اختلافات بین دارایی و شاهین و تاج (استقلال) سوخته بود از ذهنش دلیلیت شده بود. حتی حاضر نبود از اولین ویروس‌های بازیکن‌سالاری شده تیم ملی ایران سخن بگوید. از زمانی که به عنوان سرپرست این تیم اعزام شمری بودند و شش بازیکن محبوب و آقا معروف شاهینی، پیراهن ملی را به خاطر حضور و محب و آقاغفری دارایی‌چی در رأس تیم ملی از تن در آورده و تحریم‌ش کرده بودند؟ علی‌اکبر محب بنیانگذار باشگاه دارایی تهران در دو فدراسیون دکتر کنی و آقامبشر عضو هیأت رئیسه بود.

باشگاه دارائی اینطور تعطیل شد

